

مقدمه

اهمیت بحث توسعه، چگونگی، کیفیت، مفهوم و الزامات آن در سال‌های اخیر مورد بحث اقتصاد دانان بوده است. دولت ج.ا.ایران در حال حاضر تدوین برنامه ششم توسعه را دنبال می‌کند و منطقی است که غایت دغدغه علما، اندیشمندان و نخبگان از جمله علمای توسعه اقتصادی-سیاسی را رصد نماید. دکتر محمود سریع القلم استاد دانشگاه شهید بهشتی و استاد مدعو سالانه مجمع جهانی اقتصاد (World Economic Forum) در این جلسه، **نظریه‌ای در پنج محور برای توسعه ایران** ارائه می‌کند:

- ۱- حاکمیت در مقام میانجی میان جریان‌ها
 - ۲- حاکمیت علاقمند به کشور و آینده شهروندان آن
 - ۳- اختلاف فقط در سطح سیاست گذاری‌ها و نه در سطح حکمرانی
 - ۴- فهم دقیق محیط بین المللی
 - ۵- مدیریت کارآمد و تخصصی شدن حکمرانی
- در ادامه نکات مهم مباحث ایشان مطرح می‌شود:

نکات مهم:



۱- در اروپا، غرب و شمال آمریکا، جامعه نقش کلیدی داشته و حاکمیت را وادار به توسعه نموده است ولی توسعه یافتگی در کشورهای غیرغربی مانند آسیا و امریکای لاتین، خاورمیانه و آفریقا **محصول نخبگان جامعه** است. از این رو، ماهیت فکری و طبقاتی نخبگان در امر توسعه بسیار تعیین کننده است.

۲- برای توسعه یافتگی یا باید از طریق جامعه یا از راه نخبگان برویم. رسیدن به توسعه از راه جامعه، راهی طولانی است اما در سطح **نخبگی توسعه یافتگی سریع تر حاصل می‌شود**. برای مثال کشوری مانند چین خیلی سریع به توسعه یافتگی رسید؛ زیرا در حزب کمونیسم چین تحول رخ داد و دریافتند که رهبری در کنفرانس‌های بین‌المللی جهان در حال توسعه هیچ فایده‌ای برای آنها ندارد. بنابراین اجماع‌سازی با محوریت تولید در درون نخبگان صورت گرفت و توسعه خیلی سریع رخ داد.

۳- فهم نخبگان سیاسی از نظام بین‌الملل در جهان امروزی تعیین‌کننده‌تر از سایر عوامل است. آیا در برنامه ششم بین همه نخبگان سیاسی ایران فهم مشترکی از نظام بین‌المللی وجود دارد؟ اگر نباشد نمی‌توان در مدیریت کشور، افزایش کارآمدی و مشتقات بحث توسعه، کار جدی انجام داد. لذا یکی از مباحث کلیدی تدوین برنامه ششم، داشتن فهم مشترک از نظام بین‌الملل است.

۴- توسعه‌یافتگی در اصول، بحثی جهانی (کلی و مشترک) است و نه بومی و نیاز به کنفرانس و همایش ندارد به همین علت قابلیت گوی شدن (قابلیت موضوع شدن در شبکه‌های اینترنتی) دارد. از الزامات این اصول، ارتباط بین‌المللی است. یعنی امکان ندارد کشوری بدون ارتباطات بین‌المللی پیشرفت کند. رقابت بحث بین‌المللی است؛ یعنی یک کارآفرین، نویسنده و مهندس ایرانی زمانی پیشرفت می‌کند که در دالان‌های بین‌المللی فعالیت کند.

۵- توسعه‌یافتگی در اصول مبتنی بر تجربه بشری است و علاوه بر توجه به جنبه بین‌المللی بودن آن، صنعتی‌شدن، بوروکراسی کارآمد، شایسته‌سالاری، هماهنگی میان سه قوه، توزیع عادلانه امکانات، دانشگاه‌های حل‌المسائل، محوریت تولید فناوری، تصمیم اقتصادی غیرسیاسی نیز در ردیف اصول توسعه است.

۶- برخلاف اصول توسعه، الگوی توسعه‌یافتگی می‌تواند بومی باشد؛ زیرا الگوهای توسعه‌یافتگی بر مبنای تولید ثروت و مزیت نسبی ایجاد می‌شود و هر کشوری باید شرایط، زمینه‌ها و پتانسیل خود را بررسی کرده و مشاهده کند در چه زمینه‌هایی استعداد تولید ثروت را دارد. صنایع سبک، صنایع پیشرفته، کشاورزی، خدمات، پتروشیمی و فناوری اطلاعات هر یک الگویی بر مبنای تولید ثروت و مزیت نسبی محسوب می‌شوند.

۷- تولید ثروت ممکن نمی‌شود جز با باور کردن کارآفرینان توسط حکمرانان. اردوغان در زمان نخست وزیری‌اش در ترکیه از کُچ (یکی از سرمایه‌داران بزرگ ترکیه) خواست طرحی برای دوبرابر شدن ثروتش [ثروت کُچ] ارایه دهد زیرا می‌دانست با دوبرابر شدن ثروت او ۱.۵ میلیون شغل در کشور حاصل می‌شود. این تفکر یک سیاستمدار است که آینده ترکیه را تحت تأثیر قرار داده است.

۸- تولید ثروت ممکن نمی‌شود جز با متمرکز کردن ذهن مسؤولان، سیاستمداران، رمان نویسان و نخبگان ایرانی در یک موضوع و تخصص. تولید ثروت ملی در گرو تخصص و مهارت کامل است و این مهارت و تخصص با مشاغل ۱۸ گانه مدیران به دست نمی‌آید. بدون تراکم علم و تخصص در یک حوزه شاهد پراکنده‌شدن بودجه و منابع هستیم و توسعه به کندی پیش می‌رود.

۹- تشتت آراء و اندیشه درست است ولی در بیان مفاهیم می‌بایست فهم مشترک اجماعی بین نخبگان صورت بگیرد.

۱۰- حاکمیت مشخص‌بایست جامعه و نخبگان آن را از طریق میانجی‌گری بین گروه‌های مختلف، در تمامی زمینه‌ها از جمله نظام بین‌المللی و آینده آن به تعریف مشترک و واحد برساند. رهبران هر کشور باید به جامعه روحیه، امید و انگیزه برای رسیدن به اهداف دهد، زیرا بدون روحیه اهداف حاصل نمی‌شود.

۱۱- نخبگان ما در خصوص انسان، شهروند، ایران، سیاست خارجی، نقش منطقه‌ای ایران، واژه زندگی و جامعه به تعریف واحد و مشترک رسیده‌اند.



۱۲- باید برای تمام دولت‌ها، چشم‌انداز و اهداف یکسان تعیین شده باشد زیرا نمی‌توان در مدار حکمرانی چندین مکتب فکری داشت.

۱۳- بنیان‌های فکری که می‌بایست مورد اجماع نخبگان قرار گیرد باشد عبارتند از: قفل شدن به کشورهای دیگر، بین‌المللی شدن، فعالیت متمرکز و تخصصی، تفکیک قدرت اقتصادی از قدرت سیاسی، تبادل با بازارهای کار، سرمایه و فن‌آوری، پشتیبانی طبقه متوسط و اقشار حرفه‌ای جامعه.

۱۴- چالش‌های حکمرانی در سطح بین‌الملل: بحران رهبری (Leadership)، برابری درآمد (Income Equality)، رشد از طریق بکارگیری نیروی انسانی (Growth with Employment)، رقابت ژئوپلیتیک^۱ (Geopolitical Competition)، بحران آب (Water Stress)، افزایش جمعیت (Rising Pollution)

۱۵- بحران رهبری که کشورهای در حال توسعه با آن مواجهند عبارتند از: توان اجماع‌سازی (Consensus Building) و درخصوص جهان‌بینی حکمرانی، توان ایجاد چشم‌انداز جهانی (Global Perspective) که نیاز به فهم درست از پدیده‌ها دارد، توان ارتباط با نحل‌های مختلف فکری و نخبگان (Communication)، همکاری و تشریک مساعی (Collaboration)، روحیه و الهام بخشی (Inspirational)

۱۶- آیا می‌پذیریم که مدیریت کشور ما، بشدت بخشی است؟ آیا می‌پذیریم که تعریف میانگین ما از نظام بین‌الملل با مقتضیات توسعه یافتگی در تضاد است؟ جواب مثبت است. چون در انبوه تناقضات نمی‌توان در انتظار کارآمدی نشست.

۱۷- توسعه اقتصادی هنوز کانون اجماع ملی بین نخبگان و حکمرانان نشده است. [اگر اجماعی صورت گرفته لاجرم اتاق فکری و تعریف واحدی از حکومت و اولویت‌های آن می‌بایست طراحی شده باشد و باید از حکمرانان پرسید]: پس در کشور ما اتاق فکر

^۱- رقابت ژئوپلیتیک عبارتست از نوعی رقابت بین کشورها بر اساس سازه‌های تمدنی یا داشته‌ها و استعدادهای علمی، تاریخی، ملی، مذهبی و بکارگیری توان بالقوه دارندگان آن‌ها در جهان برای توسعه و نفوذ در سطح بین‌الملل. برای مثال ایران با داشتن سازه‌های مختلف تمدنی ایرانی - شیعی در بین کشورهای دور و نزدیک می‌تواند با بکارگیری همه سازه‌های ایرانی و شیعی (از طریق برنامه‌ریزی هدفدار و دقیق) در سطح جهان، بر عمق نفوذ خود در جهان بیفزاید بدون این که بخواهد مرزهای جغرافیایی خود را گسترش دهد.

متمرکز مخصوص طراحی اولویت‌های دار[حکومت] در کجا است؟ در کشورهایمانند چین، کره جنوبی و هند، حکمرانی را دست‌نفر بعدی می‌دهند و نمی‌گویند فکر بنده با قبلی متفاوت است!

۱۸- می‌توان رهیافت‌های مختلف سیاست‌گذاری داشت ولی نمی‌توان در اصول و مدارهای حکمرانی، چندین مکتب داشت! وجود اختلاف فقط در سطح سیاست‌گذاری‌ها قابل توجیه است ولی در سطح مفاهیم (مانند مفهوم ایران، بین الملل، آینده بین الملل و ...) آن هم در حوزه حکمرانی به هیچ وجه موجه نیست. تأکید می‌شود وجود مکاتب مختلف فکری در فلسفی در دانشگاه‌های کشور مفید است ولی در حکمرانی نه.

۱۹- اگر هدف، توسعه و کارآمدی است تمامی جریان‌ها، نهادها و دستگاه‌های اجرایی باید به مشترکاتی در اولویت‌بندی و جهت‌گیری‌های توسعه‌برسند.

۲۰- چالش‌های فکری و فلسفی در توسعه ایران عبارتند از:

- تعاریف مشترک از نظام بین الملل
- تمرکز در اهداف و اولویت بندی ها
- تفاهم فکری و انضباط سازمانی در مدیریت کشور

۲۱- ساختار سازی در خصوص امر توسعه می‌بایست موارد زیر را شامل شود:

- اولویت برسیستم به جای خواسته ها، منافع و سلیقه های فردی
- حرکت از مدیریت های فردی به مدیریت های ساختاری
- حرکت از ابهت فرد به مهارت های فرد
- اجازه بروز و ظهور استعداد های شهروندان

۲۲- سیاست خارجی مطلوب در راستای توسعه عبارت است از:

- ضرورت حرکت سیاست خارجی در ریل الزامات رشد و توسعه اقتصادی
- کشورهای دیگر از رشد و پیشرفت ایران، هراسی نداشته باشند
- محیط بین المللی: فرصت، یادگیری، اثرگذاری و اثرپذیری
- معاشرت نظامیان با نظامیان کشورهای مختلف در سطح جهان
- مناظره در سطح دانشگاه ها، رسانه ها و مؤسسات تحقیقاتی پیرامون مسائل کلیدی سیاست خارجی
- عبور از چالش های امنیتی با همسایگان
- تفکیک بی تبلیغ و تحلیلدردستگاه دیپلماسی کشور
- تعطیلی هیجان، احساسات و عصبانیت در ادبیات و رفتار سیاست خارجی
- پرهیز از استفاده واژگانیمانند «حتماً» «یقیناً» «صد درصد» و «بیتردید» در سیاست خارجی
- تحلیل تحولات منطقه ای بین المللی بر اساس واقعیت‌ها (FACT)

سایر موارد مورد اشاره دکتر سریع القلم:

- ۲۳- بدون قفل شدن به کشورهای دیگر پیشرفت نخواهیم کرد؛ به عنوان مثال اگر اقتصاد ما به عراق و عربستان قفل نشود مسایل سیاسی و امنیتی حل نمی‌شود. می‌توانیم ده‌ها کنفرانس برای تفاهم در مسایل امنیتی و آینده یمن و دیگر کشورها با کشورهای عربی برگزار کنیم اما تا زمانی که ارتباط اقتصادی برقرار نکنیم و با آن‌ها قفل نشویم نمی‌توانیم مسایل سیاسی را با این کشورها حل کنیم.
- ۲۴- اگر در کشور هزاران خارجی [اهل کشورهای پیشرفته] زندگی کنند، ناگزیر هستیم فرودگاه و جاده را اصلاح و آلودگی هوای تهران را رفع کنیم. به این ترتیب جهانی شدن راهی مؤثر برای توسعه است.
- ۲۵- کشورهای همسایه ما چند وضعیت دارند و ارتباط با آن‌ها مکانیسم خاص خود را می‌طلبد: کشورهای نسبتاً با ثبات و ثروتمند مانند (عربستان، آذربایجان، کویت، امارات و قطر)، کشورهای بی‌ثبات با چالش‌های جدی مانند: افغانستان، عراق، سوریه، فلسطین و پاکستان، کشورهایی در حاشیه مانند: اردن، مصر و لبنان. و نهایتاً کشوری مانند ترکیه؛ با ثبات و در حال شکوفایی.
- ۲۶- تنها ۶ درصد مبادلات تجاری خاورمیانه بین کشورها است و ۹۰ درصد آن با بیرون منطقه است و از این نظر که پیوند کافی بین این کشورها وجود ندارد خود یک بحران امنیتی برای کشورهای خاورمیانه است.
- ۲۷- کانون استراتژی مخالفان ایران این است که ایران ضعیف باقی بماند. کانون مذاکرات هسته‌یی هم ضعیف نگه داشتن ایران است و تلاش‌ها بر این متمرکز است که در رسیدن منابع ملی و مالی به ایران تأخیر ایجاد کنند که نباید بگذاریم به هدفشان برسند.
- ۲۸- استراتژی فعلی آمریکا در رویارویی با ایران به خصوص از طرف رییس جمهور این کشور مشخصاً استراتژی اقتصادی و سیاسی است.
- ۲۹- یک ایرانی کمتر می‌تواند نام یک مسوول کره جنوبی را نام ببرد زیرا در کره جنوبی یک سیستم حرف اصلی را می‌زند و سیستم‌ها حرکت توسعه را تعیین می‌کنند اما در کشور ما همچنان افراد کلیدی هستند و بیشتر در مورد گفتار و رفتار افراد خاص صحبت می‌شود.
- ۳۰- در کشور ما دلیل کلیدی فرهنگی و فکری توسعه نیافتگی، فرد محوری به جای سیستم محوری است و واژه سیستم در نظام رفتاری و فکری بسیار ضعیف است.
- ۳۱- توسعه یافتگی را باید مردم و حکمرانان بخواهند و از این منظر توسعه، مفهومی خاص و وابسته به عوامل درونی یک کشور است. ولی ماهیت و اصول توسعه و رقابت ایجاب می‌کند که در فضای جهانی و با بکارگیری عوامل خارجی مرتبط با کشور فعالیت نمود.
- ۳۲- در ایران دو گروه صاحب سرمایه شدند: یکی؛ کارآفرینان علاقه‌مند به رشد و دیگری؛ رانت‌بگیران به ثروت رسیده. کارآفرینان گفته‌اند برای تحول در واژه ثروت نیاز به کار فرهنگی داریم زیرا ثروت در ذهن میانگین ایرانی یک واژه منفی است. تمام کتاب‌های ترجمه ایران تفکر مارکسیستی دارد و ترجمه‌ها به خوبی انجام شده و همین امر بر تفکرات ما تأثیر گذاشته است. تاریخ روشنفکری در ایران، ادبیات چپ‌گرایانه است لذا ثروت، ارتباطات بین‌المللی و سرمایه‌داری مظلوم بوده است و در فرهنگ عمومی ما افراد بیش از هر چیز به ساده زندگی کردن و کم مصرف کردن تشویق شده‌اند.
- ۳۳- اگر رسانه‌ها بتوانند در مورد مسایل اقتصادی و فساد اقتصادی بیشتر بنویسند برای رشد کشور بسیار مهم است.
- ۳۴- مهم‌ترین موضوع در یک کشور موضوع توسعه اقتصادی، سپس توسعه فرهنگی و اجتماعی است و توسعه سیاسی محصول توسعه اقتصادی است. تا زمانی که در یک کشور طبقه متوسط شکل نگیرد و تولید ثروت نشود در آن کشور زمینه شکل‌های سیاسی متحول شکل نمی‌گیرد.